

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۹/۷۱۵۳ رده بندی کنفرانس: ب ۲۴/۲۳۵

تبیین نقش والدین در تربیت دینی فرزندان

رودابه کرمی

چکیده

تربیت، پروریدن و پرورش دادن استعدادهای بالقوه‌ی فرد است تا زمانی که آنها مبدل به بالفعل شوند و این فعل با پیمان میان زن و مردی هوشمند، آگاه و برخوردار از بلوغ فکری صورت می‌گیرد داشتن فرزند صالح یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند است که در بعضی آیات پیامبران آن را از خداوند خواستار شده‌اند. توجه به شایستگی‌های همسر، اصالت خانوادگی خلیات و عقاید همسر، در تربیت فرزند در آینده بسیار موثر خواهد بود. والدین وظیفه دارند که در آموزش احکام و مسائل دینی چه از طریق عمل کردن خود به آنها یا تشویق فرزندان مبادرت کنند زیرا آموزشی که به فرزند داده می‌شود مانند حک کردن روی سنگ است پس در زمان نوجوانی و جوانی دیگر کودک برای قبول و انجام آنها مشکل خاصی پیدا نمی‌کند. والدین اولین کسانی هستند که فرزند آنها را به عنوان الگو می‌پذیرند و هنگام انجام داند فعلی از سوی والدین به دقت به آن توجه می‌کنند و سعی در انجام دادن آن بدون کم و کاست هستند امام زمانی که فرزند بزرگ می‌شود طبیعتاً با رفتن به مدرسه و وارد شدن در اجتماع ممکن است دیگران را نیز به عنوان الگوی دیگر بپذیرند چه از دوستانشان باشد یا افراد دیگر در این مواقع وظیفه والدین سنگین‌تر و حساس‌تر است و باید با توجه و دقت کامل اعمال و رفتار دوستان فرزندش مطلع باشد تا یک دوستی نابجا فرزندش را به بیراهه نکشاند. هدف از نوشتار حاضر بررسی نقش والدین در تربیت دینی فرزندان است که به روش توصیفی به بیان مطالب پرداخته است.

واژگان کلیدی: والدین، فرزندان، تربیت، تربیت دینی.



بخش اول: مقدمه

تربیت تلاشی است که در جهت کشف و پرورش استعدادها و توانایی‌های بالقوه انجام می‌شود. وظیفه مربی آن است که فرد را از انحراف باز دارد و او را در مسیر رشد و ترقی قرار دهد و برای رسیدن به اوج کمال آماده سازد.

این مقوله از دیرباز جزء موضوعات اساسی و بنیاد دینی بود که توجه صاحبان اندیشه و قلم را به خود معطوف داشته و در دنیای ناآرام و سراسر هرج و مرج کنونی اهمیتی مضاعف یافته‌است.

بشریت امروز دریافته تمامی نابسامانی‌های موجود که گریبان‌گیر انسانهاست ناشی از غفلت و اهمال در تربیت روحی و اخلاقی است.

انسان ترکیبی از مجموعه نیروها و استعدادهای جسمانی، نفسانی و عقلانی است و تربیت او بر محدود تعالی است و باید همه ابعاد زندگی بشر را شامل شود. لازمه تحقق یافتن چنین امری آشنایی کامل با ابعاد وجود انسان و آگاهی از نیازمندی‌های وی و راه‌های دستیابی‌اش به سعادت حقیقی و خوشبختی ابدی است. چنین شناختی تنها از سوی منبع خطاناپذیر وحی میسر است که بهترین معیارها و مبانی تربیتی و برجسته‌ترین الگوهای تربیت را ارائه می‌دهد و دستوراتش که بر پایه شناخت کامل و چند بعدی از انسان است از جامعیت لازم برخوردار است.

دین مبین اسلام روش حکیمانه و مسیر جهت‌داری را که به آزمون و تجربه نیاز ندارد ارائه می‌نماید و در طول مدت تربیت محتوا و برنامه‌ای روشنمند و بی‌نقص را برای مربی در نظر گرفته‌است. کودک در خردسالی تربیت‌پذیری بی‌شتری دارد و براحته فرمانبرداری می‌کند و آنچه به وی آموخته می‌شود به آسانی فرا می‌گیرد، پس، پیش از آنکه این زمینه در راه‌های غلط و بیهوده به کار گرفته شود، باید در مسیر سعادت و خوشبختی شکوفا گردد.

بخش دوم: مفهوم شناسی

بند اول: معنای لغوی

الْبَرُّ در اصل به تربیت کردن و ایجاد یزی تا حد کمال گفته می‌شود.^۱ التَّربیه (ربو) پرورش و بزرگ کردن، ادب و آداب را به یکی یاد دادن و از لحاظ روحی، جسمی و عقلی آن را تربیت کردن.^۲ در کتب دیگری به معنای پروراندن کودک تا زمانی که بالغ گردد.^۳

بند دوم: معنای اصطلاحی

تربیت عبارت است از پرورش دادن یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است . به فعلیت در آوردن و پروردن. این پرورش دادن ما به معنی شکوفا کردن استعدادهای درونی می‌باشد.^۴

ارسطو در مورد تربیت می‌گوید « تربیت عبارت است از آنچه را که کمال و جمال ممکن است در اختیار روح و جسم قراردادن». منظور از تربیت شکوفا نمودن استعدادهای درونی و به فعلیت رساندن آن، مورد نظر بودن است، پس تربیت عبارت است از پرورش و شکوفا نمودن استعدادهای درونی (استعدادهای بالقوه) انسان با تربیت صحیحی که بر روی او انجام می‌شود آن را به فعلیت و ظهور می‌رساند.^۵

بخش سوم: جایگاه خانواده در اسلام

خانواده به مشابه اصلی‌ترین پایگاه‌های رشد و شکوفایی شخصیت و پرورش مهارت های اجتماعی کودکان و نوجوانان، همانند حلقه‌های زنجیر اجتماع انسان ها ، اساسی‌ترین سهم را در سلامت و اعتلای

^۱ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، حسین خداپرست، قم، نشر نوید اسلام، ۱۳۸۷، ص ۲۹۲

^۲ محمد بندر ریگی، فرهنگ بندر ریگی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۵۱۷

^۳ احمد سیاح، المنجد، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۵، ص ۲۶۰

^۴ مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۲، ص ۴۳

^۵ فرض الله قلی زاده کلان، دین، تربیت، اخلاق، قم، پارسیان، ۱۳۷۶، ص ۵۶ و ۵۷

جوامع بشری بر عهده دارند. خانواده با پیمان ازدواج بین زن و مردی هوشمند و آگاه و برخوردار از بلوغ فکری و قابلیت‌های اجتماعی پایه‌گذاری می‌شود و این زوج ستون اصلی حیاتی‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی در خانواده را تشکیل می‌دهند. همانطوری که در روایت پیامبر اکرم(ص) آمده «ما بین فی الاسلام بناءً احبَّ إلى الله» عروجل و اعز من التزویج: در اسلام هیچ بنایی ساخته نشده که نزد خدای عز و جل محبوبتر و ارجمندتر از ازدواج باشد.

همچنین در حدیث دیگری از رسول گرامی اسلام(ص) آمده: «المتزوج النائم افضل عندالله من الصائم القائم العزب» ازدواج کرده‌ی خفته نزد خدا فضیلت دارد بر عزب روزه‌گیر شب زنده‌دار^۱.

خداوند انسان را به‌گونه‌ای آفرید که بدون همسر ناقص است و هرچه از نظر علم و ایمان و فضایل اخلاقی بالا رود تا همسر اختیار نکند به کمال مطلوب نمی‌رسد جنس مذکر و مؤنث ذاتاً به یکدیگر نیازمندند، هم از نظر روحی و هم از نظر جسمی. هرکدام به تنهایی ناقصند و هنگامی که در کنار همدیگر قرار گرفتند آنگاه کامل می‌شوند، پس در این هنگام که فرد در کنار کی است که او را کامل شده خود می‌داند و نیازهای یکدیگر را رفع می‌کنند دیگر دچار انحراف و گمراهی نمی‌شوند.

« هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ: زنان لباس شما مردانند و شما مردان لباس زن‌ها هستید»^۲.

در تفسیر ایه فوق آمده: ظاهر کلمه لباس همان معنای معروفش می‌باشد یعنی جامه‌ای که بدن آدمی را می‌پوشاند و این دو جمله از قبیل استعاره است برای اینکه هریک از زن و ور طرف دیگر خود را از نرفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه دادن آن در بین افراد نوع جلوگیری می‌کند پس در حقیقت مرد لباس و ساتر زن است و زن نیز ساتر مرد است. پس همانگونه که لباس زینت انسان است و انسان را زیباتر و جذاب‌تر نشان می‌دهد همسران هم برای یکدیگر زینت هستند^۳.

پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید «مَنْ احب ان یلقى طاهراً مطهراً فلیلقه بزوجه»:

^۱ محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، مدارالحديث، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۲۲۴۹

^۲ بقره/۱۸۷

^۳ محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۴

هرکس که دوست دارد پاک و پاکیزه، خدا را دیدار کند به همراه داشتن همسری به دیدارش رود^۱.

همسر شایسته یکی از نعمتهای بزرگ الهی به‌شمار می‌رود. همسر شایسته برای انسان آرامش روانی به ارمغان می‌آورد.

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً: و باز یکی از آیات (لطف) الهی آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در بر او آرامش یافته و باهم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود»^۲.

همسر شایسته باعث وقار و تشخص است.

همسر گرامی اسلام: «ما استفتاء امرء مسلم فائدة بعد الاسلام افضل من زوجة مسلمة او مألحة»

انسان مسلمان بعد از نعمت اسلام هیچ فایده‌ای از نعمت‌های الهی نبرده است که بهتر از همسر مسلمان و شایسته باشد^۳.

بخش چهارم: جایگاه تربیتی والدین در اسلام

دین مبین اسلام برای زنده‌ماندن ملت‌ها همبستگی خاصی را بین افراد آنها لازم دانسته‌است و از افراد جامعه، نسبت به پدر و مادر که شعاع بستگی انسان‌ها به آنها نزدیک‌تر است، بیشتر سفارش شده‌است.

پروردگار عالم در وجود فرزندان، عاطفه و علاقه خاص را ممکن نیست که بتوان از انسان سلب نمود نسبت به والدین قرار داده است و خداوند در آیات قرآن، به محبت فرزندان نسبت به پدر و مادر، سفارش نموده است.

^۱ محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۵، ص ۲۲۴۸

^۲ روم/۲۱

^۳ خسرو امیر حسینی، خانواده خوشبخت، فرزند موفق، تهران، عارف کامل، ۱۳۸۲، ص ۱۸۵، ۱۸۴

اهمیت این بحث به اندازه‌ای است که خدای متعال در بیش از ۲۳ آیه در قرآن کریم صراحتاً به بطور ضمنی را به احسان و نیکی نسبت به پدر و مادر امر نموده‌است.

«لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...» جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر خود احسان کنید...^۱

اینکه بعد از امر به عبادت خداوند، نیکی به پدر و مادر ذکر شده است به چند جهت است:

۱- نعمت‌های خداوند بالاترین نعمتها بر بنده است و بعد از پروردگار عالم، پدر و مادر، سبب وجود فرزند هستند.

۲- خداوند، مؤثر واقعی و حقیقی در وجود انسان است و پدر و مادر به حسب ظاهر در وجود او مؤثرند. در جایی که مؤثر حقیقی ذکر شده بعد از آن مؤثر ظاهری ذکر می‌شود.

۳- خداوند، در مقابل نعمتهایش از بنده‌اش چیزی نمی‌خواهد پدر و مادر هم در مقابل نعمت خود، از فرزند چیزی طلب نمی‌کنند، حتی پدر و مادر غیر مسلمان به فرزند خود مهربانی می‌کنند لذا این نعمت آنها شبیه نعمت خداوند است.

۴- خداوند نعمت خود را از بنده‌اش دریغ نمی‌کند، اگر چه بنده دارای گناهان زیادی باشد، همچنین پدر و مادر، فداکاری‌های خود را از فرزند دریغ نمی‌دارند، اگر چه به آنها بد کرده باشد.

۵- پدر مهربان، در مال فرزند تصرف می‌کند تا سود بیشتری عاید فرزندش شود و از ضایع شدن مال او جلوگیری می‌کند. خداوند نیز اعمال عبادی بنده‌اش را از آفت دور می‌سازد و زیاد می‌کند و اعمال فانی او را جاودانی می‌سازد.

۶- نعمت وجود خداوند بالاتر از نعمت پدر و مادر است و با دلیل و برهان، ثابت می‌شود، اما نعمت والدین از جهت ضرورت معلوم و مشهود است، اما در مقایسه به نسبت نعمت خداوند کم است.

^۱ بقره/۸۳

احسان، جامع‌ترین و وسیع‌ترین واژه در باب نیکی است. در حال فقر والدین، احسان مادی و در حال غنای آنان، احسان روحی.

اهمیت این موضوع به قدری است که در کنار توحید احسان به والدین مطرح است.^۱

حق پدر و مادری از مسائلی است که در قرآن مجید بسیار روی آن تأکید شده است و در چند مورد بعد از دعوت به توحید قرار گرفته است از این رو تعبیری که از این آیه‌ها بدست می‌آید این است که میان این دو ارتباط و پیوند وجود دارد، چون بزرگترین نعمت هستی و حیات است که در درجه اول از ناحیه خدا و در مرحله بعد به پدر و مادر برمیگردد پس ترک حقوق پدر و مادر همدوش شرک به خداست.

در تفسیر آیه فوق که ضرورت احسان و نیکی فرزندان به پدر و مادر خویش جایگاه ویژه‌ای دارد که باعث محبت الهی می‌شود.^۲

پروردگار عالم، از تحریم شرک شروع کرده است که در واقع، سرچشمه همه مفسدات اجتماعی و محرمات الهی است و بعد بلافاصله، بعد از مبارزه با شرک، حق پدر و مادر در دستورهای اسلامی آمده است. در این آیه به جای تحریم آزار پدر و مادر (که هماهنگ با سایر تحریمهای این آیه است) موضوع احسان و نیکی کردن ذکر شده و جالب‌تر اینکه کلمه احسان به وسیله «ب» متعدی شده و آمده «بالوالدین احسانا» که معنای آن نیکی کردن بطور مستقیم و بدون واسطه استو این آیه تأکید می‌کند که موضوع نیکی به پدر و مادر، آنقدر اهمیت دارد که شخصا و بدون واسطه به آن اقدام شود.

در کلام گهربار مولا علی(ع) آمده که: «... فحق الوالد علی الوالدان بطبیعه فی کل شیء، الا فی معصیه الله...» حق پدر بر فرزند این است که فرزند در همه چیز جز نافرمانی خدا از پدر اطاعت کند...^۳.

^۱ محسن قرائتی تفسیر نور- تهران - مرکز فرهنگی درسهای از قرآن- ج ۱ ص ۱۴۹

^۲ اکبر هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۳۱۲ - ۳۱۱

^۳ علی بن ابی طالب، نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، اشکذر، ۱۳۹۰، ح ۳۹۹، ص ۵۱۸، ۵۱۹

بخش پنجم: جایگاه فرزند صالح

داشتن فرزند صالح یکی از نعمت های بارزش خداوند است که به انسان داده می شود بطوریکه در بعضی آیات قرآن پیامبران ما اینگونه از خداوند درخواست فرزندى صالح و شایسته را می کنند:

« هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً : آنجا بود که زکریا پروردگارش را خواند و گفت : پروردگارا از جانب خود فرزندى پاک و پسندیده به من عطا کن که توشنونده دانایی^۱ .

« وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ : و کسانی که می گویند پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که به روشنی چشمان باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان^۲ .

جایگاه والای فرزند صالح در احادیث نیز کاملاً روشن و واضح است.

رسول گرامی اسلام می فرماید: فرزند صالح دسته گلی از گل های بهشت است. همچنین می فرماید : فرزند شایسته دسته گلی است از جانب خداوند که میان بندگان قسمت می شود.

ارزش داشتن فرزند صالح به قدری بالاست که پیامبر اکرم (ص) می فرماید: از خوشبختی مرد، داشتن فرزند شایسته است .

منفعتی که از داشتن این نعمت به انسان می رسد مختص به دنیا نیست مثلاً باعث سرافرازی والدین می شود بلکه در آخرت هم والدین را بی نصیب نمی گذارد بطوری که حضرت عیسی بن مریم از گوری گذشت که صاحب آن عذاب می کشید سال بعد نیز از همان جا گذشت ولی دید که غذاب را از او برداشته اند، هنگامی که علت را از خداوند پرسید که چرا دیگر عذاب نمی بیند؟ خداوند جل جلاله به او وحی فرمود: ای روح الله فرزند صالحی از او بزرگ شد راهی را درست کرد و یتیمی را سرپرستی نمود و من به خاطر این کارهای شایسته ای که فرزندش انجام داده او را بخشیدم .

^۱ آل عمران/ ۳۸

^۲ فرقان/ ۷۴

امام صادق (ع) فرمود: که رسول خدا فرمود: میراث خداوند عزوجل از بنده مومنش فرزندی است که پس از مرگ او خداوند را عباد کند و از خداوند برای او طلب آموزش کند^۱.

بخش ششم: عوامل موثر در تربیت دینی فرزندان قبل از تولد

بند اول: انتخاب همسر شایسته و با ایمان

متون دینی ما، اولین و مهم ترین ملاک در انتخاب همسر را دینداری معرفی کرده است. قرآن کریم در همین زمینه می فرماید: «و لا تنکحوا المشرکات حتی یومن و لأمه موفته خیر من مشرکه ولو اعجبکم و لا تنکحوا المشرکین حتی یومنوا و لعبد مومن خیر من مشرک و لو اعجبکم اولئک یدعون الی النار و الله یدعوا الی الجنة» باز زنان مشرک تاز زمانی که ایمان نیاورده اند ازدواج نکنید، اگر چه بخاطر مال یا جمال و مقام (موقعیت)، شما را به شگفتی آورند و زنان خود را به ازدواج مردان مشرک و بت پرستی تا ایمان نیاورده اید در نیاورید اگر چه (مال و زیبایی و موقعیت) آنان شما را به شگفتی آورد (زیرا) آنها شما را بسوی آتش دعوت می کنند و خداوند شمار را دعوت به بهشت و آموزش می نماید^۲.

تأکید بر ویژگی دینداری در ازدواج، برای کسی است که خود به ارزش های دینی اعتقاد دارد، تأکید بر این ویژگی بدین لحاظ است که دیندار به سبب فرمان خدا، حقوق همسر را در زندگی مشترک بهتر رعایت می کند. متدین، ممکن است نقص های دیگر همسرش را تحمل کند؛ اما نقص بی دینی او را هرگز نمی تواند برتابد؛ زیرا به بسیاری از احکام الهی از جمله غسل، طهارت جسم و ... عمل نخواهد کرد و حتی ممکن است مانع اعمال دینی و وظائف شرعی همسرش نیز بشود؛ به همین دلیل است که رسول خدا (ص) فرمود: کسی که دختر عزیز و با کرامتش را به فردی فاسق شوهر دهد، روزی هزار بار نفرین بر او می آید.

افزون بر این، دیندار واقعی، پرهیزکار است و از خدا می ترسد و به سبب این خدا ترسی از جاده انصاف خارج نمی

^۱ محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۱۳، ص ۴۸۱ تا ۴۸۳

^۲ - بقره / ۲۲۱

شود و بر همسر خود ستم روا نمی دارد. انسان دیندار، عفت را رعایت می کند و با این عفت مانع از فساد خانوادگی و اجتماعی می شود. شخص مؤمن به دین، حجب و حیا دارد؛ زیرا امام صادق (ع) فرمود: (لایمان لمن لاحیاء له) (کسی که حیا ندارد، ایمان ندارد)

دین مهم ترین عامل آرامش و تکیه گاه محکمی برای مشکلات زندگی مشترک است^۱، دین داری بعنوان یکی از ملاک های انتخاب همسر درجه ی اول اهمیت قرار دارد البته اصل ایمان و دینداری در مرد ضروری تر است، زیرا مرد به علت ویژگی های روانشناختی، و ساختار جسمی، مسئولیت های بسیاری را در خانواده بر عهده دارد حتی در عصر حاضر نیز در بیشتر فرهنگ ها مرد مسئول تأمین معاش زندگی است، از این رو مرد تأثیر بیشتری در زندگی زناشویی دارد و بنابراین، اگر از نظر ایمانی بیش از حد ضعیف باشد، زن بطور کلی نهاد خانواده را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. پس گزینش چنین فردی مناسب نیست، هر چند ویژگی های دیگر را در حد لازم دارا باشد.^۲

همان طور که در بیانات گوهر بار پیامبر اکرم(ص) آمده که: هر گاه کسی به خواستگاری نزد شما آمد و دینداری و امانتداری او را پسندید به او زن دهید؛ که اگر چنین نکنید، در روی زمین تبهکاری و فساد بسیار پدید خواهد آمد.^۳

بند دوم: اصالت خانوادگی

در انتخاب همسر علاوه بر توجه به خصوصیات فردی، باید ویژگی های خانوادگی وی را نیز مد نظر قرار داد. ازدواج با فردی که خود ویژگی های مناسبی دارد، ولی اعضای خانواده ی او از صفات اخلاقی،

^۱ - حسین نیکخو، همان، ص ۱۷۲

^۲ - رضا صالحی، انتخاب همسر، قم - شمیم قلم، ۱۳۹۱، ص ۴۶

^۳ - محمد محمدی ری شهری، همان، ص ۸۸

باورهای دینی و رفتارهای مناسب برخوردار نیستند، آشکارا نهی شده است^۱، تا جایی که پیامبر اکرم (ص) در این مورد فرموده اند: با خانواده خوب و شایسته وصلت کنید؛ زیرا رگ و ریشه اثر دارد.^۲

اصالت خانوادگی به معنای سلامت نفس خانواده، و صالح و خوش نام بودن آنان است که هر قدر بیشتر باشد (نسل های پیاپی) بهتر است، تأکید بر ویژگی (خانوادگی) برای خانواده های اصیل است تا بینشان همتایی وجود داشته باشد، دلیل توجه اولیای الهی به مسأله اصالت خانوادگی، تأثیر ژن و تربیت فرزندان است^۳، هم چنان که پیامبر اکرم(ص) فرموده اند: برای نطفه های خود (همسر شایسته) گزینش کنید؛ چرا که یکی از دو هم بستر است^۴. اصالت و شرافت خانوادگی از درجه ی اهمیت بالایی برخوردار است تا جایی که قرآن کریم در همین زمینه می فرماید: « والبلو الطیب یخرج نباته باذن ربّه و الذی خبث لا یخرج الا نکرا...» (زمین پاک (و آماده)، گیاهش به اذن پروردگارش بر می آید؛ و آن (زمینی) که ناپاک (و نامناسب) است(گیاهش) جز اندک و بی فایده بر نمی آید).^۵ بنابراین باید در انتخاب همسر بسیار دقت کرد و از خانواده های دارای کرامت و شرافت و اصالت همسر را برگزید. در غیر این صورت آثار منفی رشد و تربیت خانوادگی در آینده ی زندگی مشترک و نسل آینده تأثیر زیادی بر جای خواهد گذاشت.

امام صادق (ع) درباره ی پاکی درونی و منش زنان در سرنوشت و تربیت بهتر و برتر کودکان فرموده است: «طوبی لمن کانت أمة عقیقه»: خوشا به حال کسی که مادرش پاک دامن باشد.

این همه تأکید و اصرار بر پاک دامن بودن به خاطر تأثیری است که والدین بدرفتار و ناپاک باشند و توجه به دستورات شرعی نداشته باشند در اخلاق و روش کودک اثر نامطلوبی خواهد گذاشت و اغلب فرزندان

۱- هادی حسین خانی نائینی، فرایند همسرگزینی، قم، بنشاسته، ۱۳۹۱، ص ۵۰

۲- محمد محمدی ری شهری، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۱، ص ۸۱

۳- مهدی نیکخو، گلبرگ زندگی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶، ص ۱۷۶

۴- محمد محمدی ری شهری، همان، ص ۸۱

۵- اعراف/ ۸۵

راهی را می روند که قبلاً والدین رفته اند و این والدین هستند که زمینه ساز شقاوت و یا سعادت فرزند هستند، «السعیه ی سعد فی

بطن امه والشقی شقی فی بطن امه:» دل مادر زمینه شقاوت یا سعادت فرزند است.^۱

بند سوم: قانون وراثت

صفات اخلاقی پدر و مادر از طریق دیگری نیز کم و بیش به فرزندان منتقل می شود، و آن از طریق عامل وراثت و ژن ها است؛ ژن ها تنها حاصل صفات ظاهری نیستند بلکه صفات اخلاقی و روحانی نیز از این طریق به فرزندان منتقل می شود به تعبیر دیگر، پدر و مادر از دو راه در وضع اخلاقی فرزندان می گذارند، از طریق تکوین و تشریح منظور از تکوین در اینجا صفاتی است که در درون نطفه مثبت است و از طریق ناآگاه منتقل به فرزند می شود و منظور از تشریح، تعلیم و تربیتی است که آگاهانه انجام می گیرد و منشأ پرورش مناسب خوب و بد می شود.

درست است که هیچ کدام از این دو جبری نیست ولی بدون شک زمینه ساز صفات و روحیات انسان ها است، و بسیار با چشم خود دیده ایم که فرزندان افراد پاک و صالح و شجاع و مهربان افرادی مانند خودشان بوده اند و بالعکس، آلوده زادگان را در مورد زیادی آلوده دیده ایم. بی شک این مسأله در هر دو طرف استثنائاتی دارد که نشان می دهد تأثیر این دو عامل (وراثت و تربیت) تأثیر جبری غیر قابل تغییر نیست.

«أنک ان لذرهم یضلوا عبارک و لا یلدوا الا فاجراً کفاراً» چرا که اگر آن ها را باقی بگذاری بندگان را گمراه می کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی آورند.^۲

^۱ - رضا صالحی، همان، ص ۴۷-۴۸

^۲ - نوح/۲۷

به هر حال دلالت آیات فوق بر این که محیط تربیتی یک انسان و مسأله وراثت تأثیر عمیقی در شایستگی ها و لیاقت های او برای پذیرش مقام رهبری معنوی خلق دارد قابل انکار نیست و هرگز نمی توان این گونه افراد را که از چنین وراثت ها و تربیت ها برخوردارند، با افراد دیگری که از یک وراثت آلوده و تربیت نادرست برخوردار بوده اند مقایسه کرد.

در تفسیر دیگری که از این آیات است بیان شده :

و اینکه فرموده (بعضها من بعضی) دلالت دارد بر اینکه بعضی از ایشان را فرض کنیم، از بعضی دیگر پیدا شده و به بعضی دیگر منتهی می شود و لازمه ی این سخن آن است که مجموع آنان تشابه الاجزا باشند و در صفات و حالات از یکدیگر جدا نباشد و چون گفتگو از اصطفا ی ایشان بود پی می فهمیم که آنان ذریه ای هستند که صفات فضیلت جدای از هم نیستند همه در آن صفاتی که باعث اصطفا ی بر عالیمان می شود مشترکند.

در نتیجه: خداوند، آدم و نوح، آل ابراهیم، آل عمران را بر عالیمان برگزید و این گزینش بدین سبب شامل حال همه ی آنان شد که همه ی آنان ذریه ای هستند که افراد آن شبیه یکدیگرند و در تسلیم بودن دلها و ثبات قدمشان در قول به حق، مثل هم و از جنس هم هستند.^۱

« یا افت هارون ما کان ابوک امرء سوء و ما کانت امک بغیا» ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت زن بدکاره ای.^۲

در این آیه اشاره به تولد حضرت مسیح بدون پدر می کند و می گوید که مریم نوزاد خود حضرت مسیح را با خود به نزد بستگان و اقوام خویش آورد آن ها از روی تعجب گفتند تو کار عجیب و بدی انجام دادی، نه پدرت آدم بدی بود و نه مادرت آلوده و گنهکار بود.

^۱ - حسین طباطبایی، همان، ج ۳، ص ۲۴۲

^۲ - مریم/ ۲۸

در این آیه به صراحت انتقال ویژگی ها و اعمال والدین را در فرزند نشان می دهد که فرزند راه و روش والدین را در پیش می گیرد و آن به خاطر به ارث بردن مسائل اخلاقی و دینی از سوی پدر و مادر است.^۱

در روایات نیز به این امر اشاره شده است:

حضرت امیر (ع) در نهج البلاغه در مورد تداوم تفکر خوارج بعد از اینکه خبر به ایشان دادند که خوارج همه نابود شدند فرمودند:

« کلا و الله ؛ انهم نطف فی اصلاّب الرجال و قرارات النساء کلما نجم منهم قرن قطع حتی یکون آخرهم لصوصاً سلابین » نه، سوگند به خدا هرگز! آن ها نطفه های در پشت پدران و رحم مادران وجود خواهند داشت هرگاه که شاخی از آنان سر بر آورد قطع می گردد تا اینکه آخرین شان به راهزنی و دزدی تن در دهند.^۲

پیامبر گرامی اسلامی می فرماید: « تزوجوا فی الحبز الصالح، فإن العرق دساس » با خانواده ی خوب و شایسته وصلت کنید، زیرا رگ و ریشه تأثیر دارد.

همچنین می فرماید: تفرّوا لنطفکم فانکحوا الاکفاء و أنکحوا إلیهم » برای نطفه های خود گزینش کنید؛ زیرا زنان بچه های همانند برادران و خواهران خود به دنیا می آورند.^۳

^۱ - ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه ی امام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۶۴ تا ۱۷۱

^۲ - علی بن ابیطالب، همان، خ ۶۱، ص ۷۸، ۷۹

^۳ - محمد محمدی ری شهری، همان، ص ۹۲

بخش هفتم: برنامه های تربیتی والدین برای پرورش بعد دینی و اخلاقی کودک

بند اول: رعایت مسائل دینی از سوی والدین

دریافت های کودک از همان ابتدای شیرخوارگی اهمیت فوق العاده زیادی در پی ریزی او دارد و همین قدرت دریافتی است که سازنده شخصیت آینده او می باشد. والدین به گمان اینکه فرزند آن ها بچه است و نمی فهمد هرگز نبایستی در حضور کودک هر گونه عمل و رفتاری را انجام دهند و یا هر نوع سخنی را بر زبان جاری کنند، بسیاری از پدران و مادران گمان می کنند از آنجائی که بچه قادر به صحبت کردن نیست و مطالب خود را نمی تواند بیان کند، پس قدرت درک و فهم مطالب را هم ندارد، بلکه کودک شما قادر بر صحبت کردن نیست و نمی تواند دریافت های خود را بروز دهد اما همه آنچه که امروز می شنود یا می بیند در ذهن او ضبط شده زمان عکس العمل آن را در آینده مشخص می شود، پس باید متوجه بود که کودک از همان ابتدای کودکی خوب و بدها را درک می کند.

در اسلام هم این مسئله مورد تأکید قرار گرفته است بعنوان مثال در روایتی امام صادق (ع) می فرمایند: «هرگز انسان در خانه ای که کودکی در آن است نباید با همسر خود همبستر (عمل زناشوئی) شود که براستی این کار، صفت زشت زناکاری را در فرزند او به ارث می گذارد.»^۱

همچنان که در گفتار حضرت امیر آمده : من نصب نفسه للناس إماماً فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره، و لیکن تأدیه بسر به قبل تأدیه بلسانه و معلم نفسه و مودبها أحق بالاجلال من معلم الناس و امودبهم « کسی که خود رهبر مردم قرار دارد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد و پیش از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کسی که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعلیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد.»^۲

والدین باید توجه داشته باشند که :

^۱ - محمد حسین حق جو، تربیت فرزند، قم، انصار المهدی، ص ۲۱

^۲ - علی بن ابی طالب، همان، ج ۷۳، ص ۴۵۴، ۴۵۵

۱- کودک بلافاصله هر آنچه که از بزرگان می شنود در حافظه ی خود ضبط می کند.

۲- کودک همانند دوربین عکاسی حساس تمامی لحظه ها را ثبت می کند.

خانواده می تواند نقش به سزایی در تکوین و شکل گیری رفتار کودک ، ایفا نماید چرا که کودک در کانون خانواده ، عبادت اجتماعی و فضایل اخلاقی، شیوه های سخن گفتن و سرانجام راه و رسم عملی زندگی را که باید طبق آن راه و روش گام بردارد می آموزد رفتار والدین به عنوان الگو و نمونه برای فرزند محسوب می شود.

حضرت علی (ع) در وصیت ماندگار خویش به امام حسن (ع) چنین می فرماید: قلب خردسال و جوان همچون زمین خالی است. هر بذری در آن پاشیده شود می پذیرد بنابراین من در تعلیم و ادب تو پیش از آن که قلبت سخت شود و عقل و فکرت به امور دیگری مشغول گردد مبادرت ورزیدم.

مطالعه در حالات در روان کودکان نشان می دهد که کودکان والدین خویش را همانند بازیگران فیلم به تماشا می نشینند و در طول شبانه روز گویا مشغول تماشای فیلم سینمایی می باشند.

به همین خاطر است که نباید مسئله تربیت را کوچک و ناچیز شمرد و باید بر این نکته آگاه بود که کودک همانند صیادی در کمین والدین است برای شکار رفتار خوب یا بد آنهاست.^۱

پیامبر گرامی اسلام می فرماید: هر نوزادی به فطرت (اسلام و توحید) متولد می شود آن گاه پدر و مادر او را به یهودیت و نصرانیت گرایش می دهند و از راه فطرت منحرف می سازند.

کودک در خانواده شاهد رفتار دینی پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده است او در ابتدا بیشتر رفتار آن ها را تقلید می کند مثلاً هنگامی که والدین مشغول نماز خواندن می شوند کودک نیز سجاده ای را پهن

^۱ - مهدی دانشمند، ارزش والدین و تربیت فرزند، تبریز، یاس نی، ۱۳۸۰، ص ۷۴ تا ۷۶

می کند و به نماز می ایستد و در صورتی که والدین به امور دینی تأکید ورزند سخت تحت تأثیر قرار می گیرند و آمادگی پذیرش آموزش های دینی را پیدا می کند.^۱

بند دوم: آموزش احکام به فرزند

درست است که پسر بعد از پانزده سالگی و دختر بعد از نه سالگی به تکلیف می رسند و قبل از آن تکلیفی ندارند اما انجام تکالیف دینی را نمی توان تا سن بلوغ به تأخیر انداخت باید انسان از کودکی به انجام عبادات و تکالیف دینی عادت کند تا در سن بلوغ به آنها رغبت داشته باشد خوشبختانه کودکی که در یک خانواده دین دار زندگی می کند غالباً سه سالگی پاره ای از مراسم دینی را از پدر و مادر تقلید می کند مانند پدر و مادر مهر می گذارد ع به سجده می رود بعضی از ذکرهای خاص مثل صلوات را از پدر و مادر یا خواهر و برادر یاد می گیرد و بر زبان جاری می سازد و اشعار کوتاه مذهبی و سرودها را یاد می گیرد و از خواندن آنها لذت می برد والدین مسئول و آگاه از این حرکات ساده و بی آرایش کودک که ریشه درونی دارد استفاده می نمایند یا تبسم و اظهار سرور و گاهی با زبان او را تشویق می کنند این عمل بسیار سودمند و مؤثر است و کودکان را برای قبلی تکلیف آماده می گرداند ولی در صورتی که طبیعی و عادی باشد و تحمیلی به عمل نیاید .

والدین نباید عجله کنند و در این سنین فشار بیشتری بر کودکان وارد سازند بچه غالباً از پنج سالگی و شاید قدری هم زودتر می تواند حمد و سوره را کم کم یاد بگیرد بر والدین لازم است که یا خودشان یا به وسیله یکی از فرزندان بزرگتر به تدریج و به صورت تفریح حمد و سوره را به او یاد بدهند سپس بقیه اذکار نماز را به همین منوال به او بیاموزند.

وقتی نماز را یاد گرفت و ۶ یا ۷ ساله شد والدین دستور می دهند که مرتب نماز را بخوان و اوقات نماز را به او تذکر می دهند اول خودشان آماده می شوند و به کودک نیز تذکر می دهند که وقت نماز رسیده است نماز را فراموش نکن.

حضرت علی(ع) در این باره می فرماید: « علموا صبیانکم الصلاة و خذوهم بها اذا بلغوا الحلم »

^۱ - مهدی نیکخو، همان ، ص ۷۴ - ۷۵

قبل از آنکه مخالفان بر شما سبقت گیرند و دل‌های کودکان شما را سخنان نادرست خویش اشتغال نمایند.^۱

امیرالمؤمنین علی(ع) در سفارش به فرزندش امام حسن می‌فرماید: **والله والله فی القرآن لا یسبقکم بالعمل به غیرکم...** خدا را خدا را درباره قرآن مبدا دیگران در عمل کردن به دستوراتش از شما پیشی گیرند.^۲

قرآن کریم می‌فرماید: **«ان هذا القرآن یتهدی للتی هی اقوم»**. به درستی که این قرآن انسانها را به آیینی که استوارتر از هر آیینی دیگر است رهنمون می‌کند.^۳

در تفسیر آیه چنین آمده که این قرآن هدایت می‌کند به سوی دین که اقوم از هر دین و مسلط تر بر اراده امور بشر است و اقوم افضل تفضیل از قیام است و معنای اصلی قیام ضد قعود است که این خود یکی از معتدل‌ترین حالات آدمی است و انسان در این حال از هر حالت دیگری نسبت به کارهایش مسلط تر است در آیه مورد بحث خدای تعالی این ملت حنیف را ملتی قائم نامیده و فرموده **« فاقم وجهک للدین القیم »** و این بدان جهت است که این دین خیر دنیا و آخرت ملت خود را تأمین و تضمین نموده و قائم بر اصلاح حال معاش و معاد ایشان است و اگر در مقایسه با سایر شرایع الهی قبل مانند شریعت نوح و موسی و عیسی(ع) باشد همچنانکه ظاهرش همین است چون در مقابل این آیه ، آیه دیگری هست که تورات را به وسیله هدایت بنی اسرائیل می‌خواند لذا فرمود: **همانا قرآن کریم خلق را به چیزی هدایت می‌کند که قوی‌تر و استوار تر است در این صورت دلیلش این است که دین حنیف از ادیان سابق خود که کتب انبیاء سلف متضمن آنها بودند کامل‌تر است زیرا تمامی معارف الهی تا آنجا که بنیه بشری طاقتش را دارد و همچنین تمامی شرایعی که بشر در زندگی خود بدان نیازمند است در این دین آمده و حتی یک عمل از اعمال فردی و اجتماعی بشر را بدون حکم نگذاشته**.^۴

^۱ زین العابدین احمدی، ایمان، همان ، ص ۳۸

^۲ علی ابن ابی طالب/نهج البلاغه/محمد/دشتی / انتشارات هدی/ ۱۳۸۶/ص ۳۹۹/نامه ۴۷

^۳ اسراء/ ۹

^۴ محمد حسین/طباطبایی/همان/ص ۶۲ تا ۶۴

همچنانکه فرموده « و انزلنا الیک الكتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه من الکتاب و مهیمنا علیه^۱ .

بند چهارم: پرورش ایمان کودک با محورید خودشناسی و خدانشناسی

یکی از وظایف والدین پرورش عواطف ایمانی و اخلاقی در کودک است برحسب روایات اسلامی والدین موظف‌اند از دوران طفولیت کودک را با ایمان بار بیاورند و به وسیله عبادات تمرینی کودک را به اطاعت از اوامر اهلی وادارند . فطرت توحیدی و عواطف اخلاقی در ضمیر کودک وجود دارد و کودک برای پذیرش تربیت آماده است بروالدین لازم است که به این مسئله توجه داشته باشند و از بیداری فطرت ایمانی واحساسات کودک حداکثر استفاده را بنمایند و از دوران کودکی ایمان به خدا و مسائل اخلاقی را در او پرورش دهند تا قبل از آنکه در راه تحصیل علم و مسائل اخلاقی عقلانی قدم بردارد با ایمان خوش اخلاق و مورد اعتماد بار آمده باشد برای رسیدن به این منظور راستگویی ،درستکاری، محبت، مهربانی ، کمک به دیگران و این گونه صفات نیک را می‌توان در کودک پرورش داد و باید دانست که در راه تربیت کودک مذهب بزرگترین یار و مددکار است پرورش ایمان و اخلاق پسندیده در دوران کودک یکی از حقوق فرزندان در آیین اسلام است^۲ .

حضرت سجاد(ع) در ضمن بیان حقوق فرزند می‌فرماید: « و انک مسئول عما ولیته به من حسن الأدب والولایه علی ربه». پدر در ولایت که به فرزند دارد مسئول است که کودک را مؤدب و با اخلاق پسندیده پرورش دهد و او به خداوند بزرگ راهنمایی کند^۳ .

در روایات آمده « قال رسول‌الله: ویل الأطفال آخر الزمان من آیائهم فقیل: یا رسول‌الله من رسول الله من آبائهم

المشکین؟ فقال لا من آبائهم المومنین لا یعلمونهم شیئا من الفرائض»

^۱ مائده/آیه ۴۸

^۲ زین العابدین احمدی، همان ، ص ۱۹۲

^۳ صادق/حسن زاده/تحفه العقول/ قم / مؤسسه نشر اسلامی / ۱۴۲۱ ه ق / ص ۲۶۳

پیامبر خدا(ص) فرمود: وای بر کودکان دوره آخر الزمان: از پدرانشان عرضه داشتند ای رسول خدا از پدران مشرک؟ فرمود: نه از پدران مؤمن که از واجبات الهی چیزی به کودکانشان یاد نداده‌اند.

حضرت علی (ع) می فرمایند: ان للولد علی الواد حقاً و ان للوالد علی الولد حقاً فحق الوالد علی الولد این یطلیعه فی کل شیء الارض معصیه الله و حق الوالد علی الوالدان یحسن اسمہ و یعسن ادبه و یعلمه القرآن»

همانا فرزندان را بر پدر و پدر را بر فرزند حقی است حق پدر بر فرزند این است که فرزند در همه چیز جز نافرمانی خدا از پدر اطاعت کند و حق فرزند بر پدر آن که نام نیکو بر فرزند نهد، خوب تربیتش کند و او را قرآن بیاموزد^۱.

بند پنجم: عقاید دینی متناسب با درک، سن و جنسیت کودک

توجه به خدا و دین ریشه فطری دارد و از نهاد انسان مایه می‌گیرد. خدا در قرآن می‌فرماید: « فأقم وجهک للدين حنیفاً..».

توجهت را به سوی دین مستقیم معطوف دار . دینی که فطرت خدایی است و آفرینش انسان را برآن پایه‌گذاری کرده است^۲.

هر کودکی طبعاً خداپرست است مگر اینکه عوامل خارجی فطرتش را آلوده گرداند و از صراط مستقیم منحرف سازد.

پیامبر(ص) می‌فرماید: هر نوزادی با فطرت خدائی به دنیا می‌آید و پرورش می‌یابد مگر اینکه پدر و مادر او را به سوی یهودیگری یا مسیحی‌گری بکشانند. والدین وظیفه دارند که محیط مناسبی برای فرزند خویش به وجود آورند تا عقائدی که از فطرت او نهاده شده . تدریجاً ظهور و بروز نمایند و پرورش و تکامل یابند کودک از همان خردسالی به یک قدرت و نیروی مافوقی که می‌تواند نیازمندیهایش را

^۱ علی ابن ابی طالب/ همان / ص ۵۱۹/ حکمت ۳۹۹.

^۲ روم/آیه ۳۰

برطرف سازد طبعاً توجه دارد اما درک او به حدی نیست که بتواند توجه ارتکازی خویش را بیان کند اما تدریجاً به مرحله ظهور و بروز می‌رسد کودکی که در یک خانواده دیندار زندگی می‌کند معمولاً در سن ۴ سالگی به خدا توجه پیدا می‌کند و سؤالاتی از والدینش می‌پرسد این نشان این است که فطرتش بیدار گشته و میخواهد در اینباره اطلاعاتی بدست آورد مثلاً سؤالاتی مثل: چه کسی خورشید را آفرید؟ چه کسی بابا را درست کرد. آیا خدا مرا دوست دارد؟ خدا کجاست؟ چه شکلی است؟ والدین در این باره مسئولیت بسیار بزرگی بر عهده دارند آنان می‌توانند در تکمیل عقاید فرزندشان کمک شایانی کنند و اگر کوتاهی کنند در قیامت مسئولند هرچند پاسخ دادن به سؤالات آنها کار چندان ساده‌ای نیست والدین باید خود را قبلاً آماده کرده باشند تا بتوانند جواب گوی فرزندشان باشند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: وقتی بچه سه ساله شد کلمه «لااله الا الله» و در سن سه سال و هفت ماه کلمه «محمد رسول الله» و سپس تا سن چهار سالگی صلوات را پاداش بدهید. می‌توانند از اشعار ساده و کوتاه دینی که برای کودکان لذت بخش است استفاده کنیم. کم کم در مورد نبوت و امامت صحبت کنند. ابتدا پیامبر را به او بشناسانند و از صفات ایشان بحث کنند و بالاخره در مورد اصل و لزوم پیامبر و شرایط او برایش توضیح دهند، سپس در مورد امامت اما در مورد معاد شاید ذهن کودک دیرتر از سایر مسائل برای فهم آن آمادگی پیدا کند. کودک معنای مرگ را نمی‌داند شاید مردن را مثل یک سفر طولانی تصور کند البته تا زمانی که کودک در مورد مرگ سوالی نپرسیده لزومی ندارد برای او توضیح دهید اما خواه ناخواه حوادثی پیش می‌آید که کودک را متوجه مرگ می‌سازد والدین ناچارند آن حقیقت را با او در میان بگذارند و باید از دروغ و کتمان بپرهیزند والدین بدین وسیله می‌توانند برای عقائد فرزندان خویش شالوده ای بریزند^۱.

بخش هشتم: روش والدین در تربیت دینی

می‌دانیم کودک از راه لمس، بوئیدن، چشیدن، شنیدن و دیدن با جهان خارج ارتباط برقرار می‌کند ایجاد ایمان در دوران کودکی بر این اساس باید استوار باشد و از راه شناخت پدیده‌های جهان خدا را بشناسد و به وجود او مؤمن و معتقد گردد و مرحله درک مجرداتو استدلال درباره آن از مسائل سنین بعدی اوست.

^۱ آمینی / ابراهیم/ همان /ص ۲۴۸-۲۵۰/ برداشت از متن

والدین با زبان ساده می‌توانند به کودک تفهیم کنند که خدا او را می‌بیند، کارهای خوب و بدش را زیر نظر دارد و هیچ چیز از نظرش پنهان نیست.^۱

بند اول: معرفی الگو و دوست مناسب

کردار و رفتار والدین خون در شریانهای کودک به جریان می‌افتد و شخصیت او را برای مادام‌الحمر رنگ می‌دهد جنبه الگوئی بودن والدین آنچنان مهم است که می‌توان گفت زمینه‌ی انحطاط و با تعالی روان کودک تا حدود زیادی مربوط به والدین را به عنوان الگو و سرمشق انتخاب می‌کند و شیوه‌های رفتاری آنان را تقلید می‌نماید بسیاری از بی‌بند وباری‌های افراد زائیده اشتباهات و رفتار غلط والدین است و موجب اسارت و بدبختی آنها می‌شود چه بسیار کودکانی که رفتاری را از والدین یاد گرفته‌اند و یک عمر آن رفتار مزاحم زندگی‌شان بوده و نتوانسته‌اند آن را به خوبی از خود دور نمایند.

اینکه رفتار والدین برای کودک برای کودک مهم بر شمردیم به چند دلیل است:

۱- وجود حالت تقلید یا همانند شدن در کودک:

۱- در طفل خصوصیت همانند شدن است رفتار بزرگسالان را بلا اراده تقلید می‌کند. کودک همه حرکات و سکنات نالدین را زیر نظر دارد اطوار و اداهای آنان را می‌بیند چه زشت چه زیبا انجام می‌دهد.

۲- حالت کنجکاو برای فراگیری:

کودک با بسیاری از پدیده‌های دور و بر خود ناموس است به دنبال سرمشقی است که بدان تأسی کند از او راه و رسم غذا خوردن، لباس پوشیدن، سخن گفتن... و دیگر مسائل زندگی را بیاموزد.

۳- حالت قهرمان پرستی:

کودکان به دنبال افراد ایدآل و قهرمانان هستند می‌خواهند فردی پیدا کنند و رفتار خود را با او منطبق نمایند.

^۱ علی/قائمی/نقش مادر در تربیت/بیجا/انتشارات امیدی/۱۳۷۵/ص ۱۵۳-۱۵۵

۴- میل به شگفت آوردن:

کودک خودستاست و می‌خواهد تحسین دیگران را به گونه‌ای متوجه خود سازد آنچه را که از بزرگسالان می‌بیند بیان می‌کند و نشان می‌دهد باشد که توجه برخی را به خود جلب کند طبعاً آنچه را که می‌بیند بیش از هر چیز رفتار والدین است.^۱

بند دوم: کودکان و رفاقت

امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید:

دوستی کردن نیمی از خردمندی است.^۲

از آنجا که نیاز به رفاقت و مسئله‌گزینش دوست و همفکر یک امر طبیعی و انسانی است، لذا در اسلام نیز اصل مسئله رفاقت هرگز نفی نشده است. بلکه مورد سفارش واقع شده و تنها از جهت نوع رفیق و کیفیت رفاقت

محدودیت‌هایی عنوان شده است.

امام متقین علی (ع) در باب دوستی و اهمیت آن می‌فرماید: «اعجز الناس من عجز عن اكتساب الاخوان و اعجز منه من ضيع من ظفر به منهم».

ناتوان‌ترین مردم کسی است که در دوست‌یابی ناتوان است و از او ناتوان‌تر آن که دوستان خود را از دست دهد.^۳

^۱ علی/قائمی/همان/ص ۱۰۸

^۲ علی بن ابی طالب/همان/ص ۴۶۹/حکمت ۱۴۲

^۳ همان/ص ۴۴۵/حکمت ۱۲

باید توجه داشت که کودکان نیز در دوران کودکی بخصوص آن هنگام که با محیط خارج از خانه آشنا می شوند و قدم به مدرسه می گذارند نیاز به انتخاب دوست و رفیق دارند خودبه خود نیز دوستانی پیدا می کنند.

آنچه که در این سنین مهم است و مربیان محترم بخصوص والدین بایستی بدان توجه داشته باشند این است که کودک در این مرحله سنی قدرت تشخیص همه جوانب در مسئله (رفاقت) را ندارد و بسیاریاز مشکلات و مسائل را درک نمی کند و کدک بسیار احساسی و عجولانه تصمیم گرفته اقدام می نماید و کمتر در تصمیم گیری های خود براساس عقل و درایت رفتار می کند و تنها به فکر عملی کردن هوسهای کودکانه خود است. از این رو وظیفه والدین در انتخاب دوست برای کودکان خود بسیار سنگین و خطیر است البته باید دانست که کودک هر اندازه از نظر سنی بالا می رود میل او به استقلال در تصمیم گیری بیشتر و شدیدتر می شود از این رو والدین نبایستی برای او در انتخاب دوستان محدودیتهای غیر منطقی و بیجا قرار دهند و در مورد کنترل ها و محدودیت های بجا و به مورد نیز بایستی سعی کنند آن را طوری انجام دهند که کودک ظاهراً احساس کند آزادی و استقلال لازم را در انتخاب و تصمیم گیری های خود دارد و والدین بایستی خود رفیق خوبی برای فرزند باشند، در غیر اینصورت چه بسا کودک با افراد نالایقی طرح دوستی و رفاقت بریزد و در آینده گرفتار انواع انحرافات و فسادهای اخلاقی گردد پند و اندز همراه با نرمی و عطف بهرین راه کنترل فرزند است. از این رو لازم است والدین گاه و بیگاه به طرق مختلف کودک خود را موعظه کنند والدین باید هرازچندگاهی سری به مدرسه فرزند خود بزنند دوستان او را ببینند و در مورد آنان تاحدی تحقیق کنند.

یکی از وظایف مهم والدین درباره کودکان مراقب و کنترل آنها در مسئله انتخاب دوست فرزندان است بایستی کودک را از خطرات هم نشینی های بد و در مقابل از آثار مثبت رفاقت های خوب آگاه سازند. بی شک تأثیر دوست و رفیق در انسان تاحدی است که گاه از تأثیر والدین بیشتر می شود چه بسا فرزندان خوب و صالحی را سراغ داریم که ابتدا در محیط های اجتماعی بزرگتری مانند مدرسه و غیره گذاشته اند و به واسطه دوستان و رفقای ناصالح و فاسد مسیر فلاکت و بدبختی کشیده شده برای همیشه مفلوک و بیچاره شده اند و برعکس کانی از محیط خانوادگی صالح و سالمی برخوردار نبوده اند اما به واسطه دوستان

صالح مسیر زندگی آنها تغییر کرده و در صراط مستقیم قرار گرفته‌اند و عاقبت نیز با سربلندی و افتخار از این جهان رخت برسته‌اند.^۱

چنانکه بزرگها احتیاج به دوست و رفیق دارند بچه‌ها نیز دوست و رفیق می‌خواهند کودکی که دوست و رفیق نداشته‌باشد هرجا که باشد احساس غربت و تنهایی می‌کند همواره پژمرده و افسرده است. انتخاب دوست یک امر تحمیلی نیست که والدین به فرزندانشان بگویند با فلان کس رفیق شود و با فلان کودک رفیق نشو کودک باید در انتخاب دوست آزاد باشد اما نه کاملاً هرکه را خواست به عنوان رفیق برگزیند زیرا اخلاق و رفتار بدون شک در یکدیگر تأثیر می‌گذارد اگر بچه رفیق خوبی داشته‌باشد از خوبیهای او پیروی می‌کند و اگر رفیق بدی داشته‌باشد از بدی‌های او پیروی می‌کند بنابراین والدین نمی‌توانند نسبت به دوستان فرزندشان بی‌تفاوت باشند و در این باره نظارتی نداشته باشند این کار به نفع فرزند است اگر والدین بتوانند برای فرزندانشان دوست خوبی انتخاب کنند صلاح و سعادت آنها را تأمین و راه تباهی و فساد را تاحدودی بر آنها بسته‌اند بهترین طریقی که والدین می‌توانند انتخاب کنند این است که وقتی بچه به حد رشد و تمیز رسید و خوب و بد را برایش خوب تشریع کنند نتایج دوستی با بچه‌های بد را برایش توضیح دهند آنگاه با مهربانی به او بگویند تو می‌توانی برای خود دوست برگزینی اما مواظب باش که دوست خوب برگزینی اینطور می‌توان یاریش کرد.^۲

نتیجه‌گیری

یکی از وظایف مهم و حیاتی والدین تربیت دینی کودک است که از زمان انعقاد نطفه تأثیر پذیری آغاز می‌شود برخلاف نظر عده‌ای که معتقدند تربیت مختص به زمانی است که کودک خوب و بد را بفهمد گروهی از والدین تربیت را فقط در یک دوره‌ی کودکی یا مثلاً نوجوانی عملی می‌کنند اما این یک تربیت کامل و کافی نیست، پس هردو با مطالعه‌ی کتاب‌های که در این زمینه تألیف گشته و با همکاری هم یک کودک صالح را تربیت کنند.

^۱ حسین/مظاهری، همان، ص ۱۱۵

^۲ ابراهیم/امینی/همان/ص ۳۰۹



شناخت کودک از ماهیت ، شخصیت ، هویت ، منصب و ... بستگی به پدر و مادر دارد زیرا کودک در اول راه شناخت را هیچ چیزی ندارد و در همه چیزهای ترسناک به والدینش پناه می‌برد و تمام مدت در نزد آن حالت پس اولین افراد بعد از مدرسه و معلمان و دوستان والدین هستند که کودک را یا به راه شقاوت یا سعادت راهنمایی می‌کنند.

مسئولیت والدین در رابطه با دوست‌یابی و الگوی فرزند بسیار مهم است زیرا ممکن است یک دوست ناباب تمام زحمات آنها را یکباره از بین ببرد. پس نباید تمام وقت و زحمات خود را در جهت برآورده کردن نیازهای مادی کنند، بلکه مهمترین بعد وجود انسان که هم در این دنیا و هم در آخرت تنها راه نجات است را در کودک شکل دهند.

منابع و مأخذ

۱- قرآن

۲- نهج البلاغه

۳- احمدی زین العابدین، مقام والدین در اسلام، قم، انتشارات میثم، ۱۳۸۰

۴- اصفهانی راغب، مفردات الفاظ قرآن، حسین خداپرست، قم، انتشارات نوید اسلام، ۱۳۸۷

۵- امیر حسینی خسرو، خانواده خوشبخت فرزند موفق، تهران، انتشارات عارف کامل، ۱۳۸۳

۷- امینی ابراهیم، آئین تربیت، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶

۸- بندرریگی محمد، فرهنگی بندرریگی، ج ۲، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷

۹- حسن زاده صادق، تحفه العقول، قم، نشر اسلامی، ه. ق ۱۴۲۱

۱۰- حسین فانی نائینی هادی، فرآیند همسرگزینی، قم، انتشارات بنشاسته، ۱۳۹۱

۱۱- رازی کلینی، اصول کافی، صادق حسن زاده، ج ۳، قم، انتشارات قائم، ۱۳۸۷

۱۲- سیاح احمد، المنجد، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۵

۱۳- دانشمند مهدی، ارزش والدین در تربیت فرزند، تبریز، انتشارات یاس نبی، ۱۳۸۰

۱۴- صالحی رضا، ازدواج و معیارهای انتخاب همسر، قم، انتشارات شمیم قلم، ۱۳۹۱

۱۵- صدوق، امالی، کریم فیضی، قم، انتشارات چهارده معصوم، ۱۳۸۶

۱۶- طباطبایی محمد حسین، تفسیر المیزان، محمد باقر موسوی همدانی، ج ۲۰، قم، انتشارات اسلامی،

۱۳۸۳

- ۱۷- قرائتی محسن، تفسیر نور، ج ۱، تهران، انتشارات درسهای از قرآن، ۱۳۷۵
- ۱۸- قلی زاده کلان فرض الله، دین تربیت اخلاق، قم، انتشارات پارسیان، ۱۳۸۶
- ۱۹- مطهری مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۲
- ۲۰- مظاهری حسین، تربیت فرزند، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۵
- ۲۱- مکارم شیرازی ناصر، اخلاق در قرآن، ج ۱، قم، مدرسه علمیه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۷۹
- ۲۲- مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷
- ۲۳- محمد ری شهری محمد، تحکیم خانواده، حمیدرضا شیخی، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۹۱
- ۲۴- محمدی ری شهری محمد، میزان الحکمه، ج ۱-۵-۱۳، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۷
- ۲۵- میخبر سیما، ریحانه بهشتی، قم، انتشارات نورالزهرا(س)، ۱۳۸۳
- ۲۶- نیکخو مهدی، گلبرگ زندگی، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۶
- ۲۷- هاشمی رفسنجانی اکبر، تفسیر راهنما، ج ۱۴-۱۰-۴، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۶
- ۲۸- وحیدی محمد، احکام خانواده، قم، انتشارات سنابل

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

پنجمین همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام (۱۴۰۱) موسسه قانون یار، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی-دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش و ...

**موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند**

**پنجمین همایش علمی-پژوهشی
مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام**

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و ...

www.Olomensani.ir **www.Ghanonyar.ir**

محورهای پذیرش مقالات

- تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزش و آموزش و پرورش
- روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مدیر اجرایی همایش **دکتر شهلا رضایی**
دبیر علمی و مسئول همایش **دکتر بهنام اسدی**
مکان و زمان برگزاری همایش **کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱**

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران **OLOMENSANI@YAHOO.COM**
ارسال مقاله از طریق واتس آپ، اینستاگرام، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۰۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
 ((در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵))

 CiteFactor
Academic Scientific Journals
Indexing
Academia.edu
California-San Francisco
  MENDELEY
Sponsored And Indexed
PBBIN.com
  جهاد
دانشگاهی
Scientific Information
Database
  DRJI
Directory of Research
Journals
Indexing
WORLD of JOURNALS
  CONF PAPER
Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science